

افغانستان اشاره می‌کند.

همانطور که عرض کردم تعاملات ایران و افغانستان در ۱۵۰ سال اخیر نوسانات و تغییرات مختلفی را از همکاری تا مناقشه در سطوح متعددی تجربه کرده که نمود همکاری معاهده ۱۳۵۱ است و از اوایل ۸۰ شمسی نیز با نهایی شدن مسأله کمیساران آب هیرمند و مشترک بین ایران و افغانستان به صورت رسمی وارد فاز عملیاتی خودش شد. اما با روی کار آمدن اشرف غنی رئیس جمهور غربگرا، متمایل به امریکا و ضد ایرانی، اقدامات دولت افغانستان در مواجهه با مسأله آب ایران روی دو رودخانه مهم هیرمند و هریرود شتاب بسیار جدی گرفت. این مسأله اولاً نتیجه سرمایه‌گذاری اشرف غنی به عنوان یک رئیس جمهور دست‌نشانده امریکایی و بشدت ضد ایرانی بود، ثانیاً غنی فردی تکنوکرات بود که توسعه را صرفاً در کارهای سازه‌ای، اصطلاحاً مهار آب، ایجاد فشار بر کشور همسایه و رویکرد مأموریت هیدرولیکی می‌دانست و ثالثاً مشورت‌ها و دخالت‌های کشورهای مختلفی بود که قصد نفوذ در افغانستان داشتند. متأسفانه ما در یک دهه اخیر از این مسائل بشدت غفلت کرده‌ایم.

یکی از نمونه‌هایی که در زمان اشرف غنی تکمیل و احداث شد، سد سلما بود. اشرف غنی در ابتدای روی کار آمدنش سعی کرد با پاکستان ارتباطات مناسبی بگیرد. تقریباً یکی دو سال اول دولتش به این سمت گذشت ولی بعدتر از پاکستان ناامید شد و کاملاً به سمت هند حرکت کرد، چراکه هند با پاکستان مناقشاتی بسیار جدی دارد و از این طرف هم افغانستان و پاکستان در زمان اشرف غنی مناقشاتی بسیار جدی داشتند؛ همین سبب شد که دشمن دشمن من اصطلاحاً دوست من بشود و هند و افغانستان روابطشان بسیار نزدیک‌تر شد. امریکا برای مهار چین، به یار جایگزین خود در منطقه یعنی هند نیاز داشت و از آن طرف هند نیز نیاز داشت حتماً در حوزه افغانستان نفوذ داشته باشد تا بتواند بحث صادرات و ترانزیت را به آسیای مرکزی و بعد از آن نقاط مختلف حفظ بکند. با توجه به اینکه چین رقیب شدید و قوی هند و از آن طرف هم پاکستان یکی از مسائل اصلی هند بود، هند چاره‌ای نداشت که حتماً در افغانستان نفوذ بکند. یکی از مهم‌ترین سرمایه‌گذاری‌ها در افغانستان برای ورود به این کشور مسأله سد بود. قبل از اینکه وارد مسأله سدهای سرمایه‌گذاری شده افغانستان بشوم این نکته را هم لحاظ کنیم که هند از نظر وضعیت مدیریت آب و بحران آب بشدت در وضعیت بدی قرار دارد. بیش از ۵۴ درصد این کشور تحت تنش بسیار شدید آبی هستند و وضعیت مدیریتی آب از نظر کمی و کیفی و سیل و... در این کشور بحرانی است. اواسط دهه ۹۰ شمسی هند یک سرمایه‌گذاری حدوداً ۳۰۰ میلیون دلاری برای تکمیل سد سلما افغانستان در بالادست ایران انجام داد. هندی که خودش مشکلات بسیار شدیدی را در حوزه مسائل آبی داشت، ۳۰۰ میلیون دلار پول داد و سدی را که افغانستان سال‌ها نمی‌توانست بسازد، در بالادست ایران برای افغانستان احداث کرد. سد سلما روی رودخانه هریرود و بالادست سد «دوستی» - مشترک بین ایران و ترکمنستان احداث شد و احداث این سد بحث امنیت آبی شمال شرق کشور را با چالش زیادی مواجه کرد. داخل پیرانتز یکی از نکات تاریخی مهم افتتاح سد سلما را عرض کنم. در طول تاریخ همیشه افغانستان می‌گفته ایران دسترسی به بندر چابهار را به من بدهد، من آب هیرمند که هیچ، آب اضافه هم به او می‌دهم. این مسأله‌ای بود که اشرف غنی هم در زمان افتتاح سد کمال خان گفت. نقل به مضمون، اشرف غنی در مراسم افتتاحیه سد کمال خان گفت امروز نجات هیرمند در زرنج است و کلید زرنج هم برای توسعه، فقط و فقط چابهار است. اما متأسفانه هیچ وقت این مسأله در رسانه‌های ایران منعکس نشد. فقط آن جمله‌ای برجسته شد که اگر آب می‌خواهید باید تیل (نفت) بدهید. در اواسط دهه ۹۰ در دولت قبل، نارندامودی برای اینکه با بندر گوادر چین در پاکستان